

سؤالات تجزیه و ترکیب آیات ۴۸ الی ۵۲ سوره قلم

• **فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْهُوتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)**

۱. نوع فاء در "فاصبر"

- سببیه محضه استینافیه: یعنی حالا که خود خدا حواسش به کفار هست و با استدراج آنها را عذاب خواهد کرد پس تو هم صبر کن و مانند یونس عجله نکن...

۲. معنای لام در "لحکم"

- فعل **صَبَرَ يَصْبِرُ صَبْرًا**: هم به صورت لازم هم به صورت متعدی (فاصبر نفسک) و هم به صورت لازم

- در صورتی که لازم استعمال گردد با دو حرف جرّ "لام" و "علی" متعدی می گردد.
- ظاهراً در صورتی که با لام متعدی گردد یا متضمن فعل "خضع" باشد که با لام متعدی می شود و یا بنابر نظر کوفین لام به معنای علی باشد (مانند: دعانا لجنبه، و إن أسأتم فلها). بنابراین بنابر قول اول می توان گفت اگر با "علی" بیاید مطلق صبر بر یک چیز مراد است اما اگر با "لام" بیاید صبر خاضعانه مراد است که چه بسا همان صبر جمیل باشد.
- اینکه لام به معنای اِلی یا تعلیلیه یا ظرفیه باشد صرف احتمالات بلا دلیل است.

۳. متعلق "إذ"

- متعلق است به فعل عامّ مقدر و حال است از "صاحب الحوت"
- نکته: چون زمان "صاحب" گذشته است بنابراین اضافه اش اضافه معنویه بوده و کسب تعریف می کند و می توان ذوالحال قرار گیرد.
- معنی: مانند صاحب حوت در آن حالتی که مظلوم به زمان نداء کردن بود نباش.
- بنابراین ترکیب دیگر نیاز به تقدیر مضاف که برخی مفسرین گفته اند نیست.

۴. بررسی لغوی "مکظوم"

- اسم مفعول از "كَطَمَ، يَكْطُمُ، كَطْماً و كُطُوماً" است؛ كَطَمَ در اصل لغت به معنای بستن دهانه مشک بعد از پرشدن است و مکظوم نیز به معنای مشک پر شده است و بر انسانی که از غم و اندوه پر شده و راه گلویش بند شده مکظوم می گویند.

• **لَوْ لَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِدَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)**

۵. خبر "أَنْ تَدَارِكَهُ"

▪ "موجود" مقدر

• نکته: همیشه بعد از "لولا" جمله اسمیه به عنوان جمله شرط ذکر می گردد و جواب شرطش نیز همیشه جمله فعلیه است و در جمله شرط، همیشه مبتدا به تنهایی ذکر می گردد و خبرش که کون مطلق را می رساند واجب الحذف است.

۶. نوع لام در "لنبت"

▪ لام رابط جواب شرط است که بر سر جواب لو و لولا در صورتی که ماضی مثبت باشد غالباً می آید و به قول عباس حسن، این لام، لام تسویف است یعنی دلالت بر تأخیر تحقق جواب میکند یعنی در سرزمین بی سقف و آب و علف می افتاد آهم بعد از مدت طولانی که در شکم ماهی گرفتار بود.

۷. معنای باء در "بالعراء"

▪ به معنای "فی"

۸. بررسی لغوی "عراء"

▪ از فعل "عَرِيَ، يَغْرِى، عَرِيَّةٌ" لازم است به معنای عریان شدن و عَرَاء اسم ذات است به معنای فضای عریان و بی پوشش و سقف

• فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

۹. نوع فاء در "فاجتباه"

▪ فصیحه و رابط جواب شرط محذوف: لَمَّا تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَاجْتَبَاهُ

۱۰. معنای "مِنْ" در "مِن الصَّالِحِينَ"

▪ تبعیضیه؛ جار و مجرور متعلق به فعل عامّ مقدر بوده و مفعول دوّم می شود برای جَعَلَ (همانطور که / ق ۶ ق ۷۵۶ هـ شعشش ۸ ضی در ذیل آیه ۳۵ سوره قلم گفتیم، ۵ نوع جَعَلَ داریم که یکی از آنها جَعَلَ از افعال ش شو ل تصییر است)

• وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

۱۱. معنای واو در "وإن يكاد"

▪ استینافیه

معنای ازلاق:

▪ ازلاق به معنای لغزاندن و به زمین افکندن است.

۱۲. نوع "إِنْ" در "و إن يكاد الدين"

- إن مخففه از مثقله است بنا بر قول بصريين زیرا اصلاً کوفيين إن مخففه را قبول ندارند بلکه آن را نافیه می گیرند و لام ما بعدش را به معنای إلاً می گیرند.
- علامت إن مخففه این است که همیشه بعدش لام فارقه می آید برای فرق گذاری بین إن مخففه با إن نافیه.
- إن مخففه یا بر سر جمله اسمیه می آید که غالباً مھمل می شود و یا بر سر جمله فعلیه می آید که دائماً مھمل می شود و غالباً فعل ما بعدش، فعل ماضی ناسخ یا فعل مضارع ناسخ می باشد.

۱۳. نوع لام در "لیزلقونک"

- لام فارقه است و اینکه لام فارقه همان لام ابتدائیه است - که بعد از إن مخففه بر سر خبر مثبت، آوردنش واجب است - یا لام ابتدائیه نیست اختلاف است و آنجا که می گویند که لام ابتداء نیست برخی می گویند برای صرف فارقه بودن آمده و برخی مانند کوفيين می گویند لام استثنائیه است و إن نیز، نافیه است.

۱۴. نوع "لَمَّا"

- بر سه وجه در کلام عرب استعمال شده است:

۱. جازمه: لَمَّا يَضْرِبُ: ماضی منفی استمراری
۲. شرطیه ظرفیه غیر جازمه: همیشه متعلق به جواب شرط است و همیشه مضاف به فعل شرطش می باشد.
- در این آیه نیز "لَمَّا" از همین قسم بوده و جواب شرطش به قرینه ما قبلش محذوف است.

۳. استثنائیه: إن كلُّ لَمَّا عليها حافظ

۱۵. نوع واو در "و يقولون"

- محتمل است استینافیّه باشد و محتمل است عاطفه باشد بر ابتدای آیه یا بر جواب لولا؛ اگر بر جواب لولا "لیزلقونک" عطف گردد معنا اینطور می شود: نزدیک است که مدام تو را با چشمانشان بلغزانند و به زمین بزنند و بعدش بگویند او به خاطر جنون به زمین خورد پس مجنون است.

• وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲)

۱۶. بررسی لغوی "ذکر"

▪ مصدر از فعل "ذکره، یذکر ذکراً و ذکرأ" است و "ذکر" به عنوان اسم مصدر نیز استعمال شده است. و استعارتاً بر قرآن اطلاق شده است زیرا مایه ذکر خداست.

۱۷. تجزیه و بررسی لغوی "عالمین"

▪ رضی در شرح شافیه می گوید: وزن فاعل از اوزان سماعی اسم آلت است؛ مانند: خاتم: ما یُختم به، عالم: ما یعلم به

▪ عالم اسم جمع بوده و به کلّ مخلوقات اطلاق می شود اما جمعی بر موجودات عاقل اطلاق می شود (سیوطی) به خاطر همین است که ملحق به جمع سالم است نه جمع سالم زیرا از مفردش کمتر است.